

# مقایسه علمی «التاریخ الکبیر» بخاری و «الجرح و التعدیله» ابن ابی حاتم رازی

۸۷-۱۰۱

فاطمه الزهرا عواطی

استادیار دانشکده الشریعة و الدراسات الاسلامیة، دانشگاه شارجه، امارات متحده عربی (نویسنده).

نرگس بهشتی

دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث. (مترجم)

## A Comparative Study of Bukhari's *Great History* and Ibn Abi Hātam Rāzi's *Al-Jarh wa al-Ta'dil*

By: Fateme al-Zahra Avāti

Translated by: Narges Beheshti

**Abstract:** There are numerous rijāl books which either talk about the hadiths narrators' classes, ancestry, and the date of death or criticize and praises them. Al-jarh wa al-ta'dil (criticism and praise) books are also divided into different types, some are only dealing with thiqā (trustworthy) narrators, some with weak and unreliable ones, and some with both groups. Two of the important books on this subject are Bukhari's *Great History* and Ibn Abi Hātam's *al-Jarh wa al-Ta'dil*. Some have accused Ibn Abi Hātam of having access to Bukhari's *Great History* and attributing it to himself; therefore, his book's arrangement and order of its chapters are the same as Bukhari's, and in many translations it does not have anything new to add. In the present paper, the author makes an attempt to carry out a comparative study of these two books to reveal how Ibn Abi Hātam used Bukhari's *Great History* in writing of his book. Regarding this, he begins by introducing *Great History*, its author's purpose, and the extent to which this intention is fulfilled, then he goes on to talk about Bukhari's method as well as the importance and privileges of his book. Next, he introduces *al-Jarh wa al-Ta'dil* and discusses the purpose of its compilation, the extent to which it is fulfilled, and the importance of the book. Finally, he concludes this paper with a comparative study of the mentioned books, and provides some examples of the topics which have been discussed by Bukhari but not mentioned by Ibn Abi Hātam.

**Key words:** *Great History*, Bukhari, *al-Jarh wa al-Ta'dil*, Ibn Abi Hātam Rāzi, rijāl books, hadith science, jarh wa ta'dil (criticism and praise) books about hadith narrators, book review, comparative study.

مقایسه علمی بین کتابی التاریخ الکبیر للبخاری و الجرح و التعدیله لابن ابی حاتم الرازی

الخلاصة: هناك عددٌ كبير من الكتب الرجالية التي تختص ببيان طبقات الرواة وأسابيهم وتواريخ وفياتهم، أو تبحث في جرحهم وتعديلهم.

وتنقسم كتب جرح الرواة وتعديلهم بدورها إلى أنواع مختلفة أيضاً، فتكتفي بعضها بتسجيل الرواة الثقة، بينما تكتفي غيرها بالضعفاء والمتروكين، في حين تتسع غيرها لتضم الضعفاء والمتروكين والثقات معاً وفي آن واحد. ومن الكتب المهمة في هذا المجال، كتابي التاريخ الكبير للبخاري و الجرح و التعديل لابن أبي حاتم الرازي.

وقد اتهم البعض ابن أبي حاتم بأنه قد اطلع على كتاب التاريخ الكبير للبخاري ونسبه إلى نفسه. واستدلوا على ذلك بقولهم إن ترتيباً وتبويت كتابه لا يختلف عن ترتيب كتاب البخاري، وأنه في الكثير من التراجم لا يقدم شيئاً أكثر مما يذكره البخاري.

ومن هنا يسعى كاتب المقال الحالي من خلال مقارنته العلمية بين هذين الكتابين إلى بيان كيفية الاستفادة من كتاب أبي حاتم في تأليفه لكتاب الجرح و التعديل من كتاب التاريخ الكبير للبخاري.

وفي سياق هذا الهدف، يبدأ الكاتب مقاله بالتعريف بكتاب التاريخ الكبير وبيان هدف البخاري من تأليفه ومدى النجاح الذي حققه في الوصول إلى هذا الهدف، لينتقل بعد ذلك إلى بيان أسلوب البخاري وأهتية الكتاب وما يمتاز به. ثم ينتقل بعد ذلك إلى التعريف بكتاب الجرح و التعديل والهدف الذي كان ابن أبي حاتم يسعى إليه من خلال تأليفه ومقدار نجاحه في تحقيق ذلك الهدف، ومن ثم بيان أهتية الكتاب ومكائنه.

ويتهيء المقال بدراسة مقارنة للكتابين المذكورين، مع تأشير نماذج من الموارد التي لم يتطرق لها ابن أبي حاتم في الوقت الذي أشار إليها البخاري وتحدث عنها.

المفردات الأساسية: التاريخ الكبير، البخاري، الجرح و التعديل، ابن أبي حاتم الرازي، كتب الرجال، علم الرجال، علم الحديث، كتب جرح الرواة وتعديلهم، البحث في الكتاب، الدراسة المقارنة، المقايسة العلمية.

**چکیده:** کتابهای رجال پرشماری وجود دارند که به ذکر طبقات، نسب، تاریخ وفات و یا جرح و تعدیله راویان پرداخته اند. کتابهای جرح و تعدیله راویان نیز به انواع مختلفی تقسیم شده و بعضی تنها رواهات ثقه و برخی تنها ضعفا و متروکین و دسته ای به ذکر ضعفا و متروکین و ثقه در یک کتاب پرداخته اند. از کتابهای مهم در این موضوع، «التاریخ الکبیر» بخاری و «الجرح و التعدیله» ابن ابی حاتم رازی است. در این میان، برخی ابن ابی حاتم را متهم کرده اند که او به کتاب تاریخ کبیر بخاری دست یافت و آن را به خودش نسبت داد به همین دلیل، ترتیب و باب بندی آن همانند کتاب بخاری است و درباره بسیاری از تراجم چیزی بیش از بخاری بیان نمیکند. از این رو، نویسنده در نوشته حاضر تلاش می کند تا با مقایسه علمی بین دو کتاب، آشکار سازد که چگونه ابن ابی حاتم در تألیف کتاب «الجرح و التعدیله» از کتاب «التاریخ الکبیر» بخاری استفاده کرد؟ وی در راستای این هدف، نوشتار را با معرفی کتاب تاریخ کبیر و هدف بخاری از تألیف آن و میزان تحقق این غرض، آغاز کرده و در ادامه، به روش بخاری و اهمیت و امتیازات کتاب اشاره می کند. سپس، کتاب الجرح و التعدیله را معرفی و به بیان هدف ابن ابی حاتم از تألیف آن و میزان تحقق این غرض و نیز اهمیت کتاب می پردازد. در نهایت، نوشته را با بررسی تطبیقی دو کتاب مذکور و ذکر نمونه هایی که ابن ابی حاتم درباره آنها سکوت کرده و بخاری از آنها سخن گفته است، به پایان می رساند.

**کلیدواژه ها:** تاریخ الکبیر، بخاری، الجرح و التعدیله، ابن ابی حاتم رازی، کتابهای رجال، علم رجال، علم حدیث، کتابهای جرح و تعدیله راویان، بررسی کتاب، بررسی تطبیقی، مقایسه علمی.



## مقدمه

کتاب‌های رجال پرشمار و گوناگونی وجود دارند که به ذکر طبقات، نسب، تاریخ وفات یا جرح و تعدیل راویان پرداخته‌اند. کتاب‌های جرح و تعدیل راویان نیز به انواع مختلفی تقسیم شده و بعضی تنها روایثی و برخی تنها ضعفا و متروکین و دسته‌ای به ذکر ضعفا و متروکین و ثقه در یک کتاب پرداخته‌اند.

از کتاب‌های مهم در این موضوع، *التاریخ الکبیر بخاری و الجرح و التعدیل ابن ابی حاتم رازی* است.

برخی ابن ابی حاتم را متهم کرده‌اند که او به کتاب تاریخ کبیر بخاری دست یافت و آن را به خودش نسبت داد. به همین دلیل ترتیب و باب بندی آن همانند کتاب بخاری است و درباره بسیاری از تراجم چیزی بیش از بخاری بیان نمی‌کند.

نقل کرده‌اند که ابواحمد حاکم کبیر<sup>۱</sup> به سرزمین ری وارد شد و شنید که کتاب جرح و تعدیل را بر ابن ابی حاتم قرائت می‌کنند. پس گفت:

به ابن عبدویه و راق گفتم: این خنده دار است. می‌بینم که کتاب تاریخ بخاری را بر شیخ‌تان قرائت می‌کنید و آن را به ابوزرع و ابوحاتم نسبت می‌دهید؟! پاسخ داد: «ای ابواحمد، ابوزرع و ابوحاتم تاریخ بخاری را به خودشان نسبت نمی‌دهند. ابوزرع و ابوحاتم می‌گویند این علمی است که هیچ کس از آن بی‌نیاز نیست و سزاوار نیست کسی جز ما آن را بیاد آور شود. آن دونزد عبدالرحمن<sup>۲</sup> نشستند و عبدالرحمن از آن دو [ابوزرع و ابوحاتم] درباره یکی یکی رجال سؤال کرد و آنها مطالبی را اضافه کردند و یا چیزی از آن کم کردند»<sup>۳</sup>.

برخی دیگر معتقدند که هر چند ابن ابی حاتم کتابش را با تکیه بر تاریخ کبیر بخاری نگاشت، اما در آن کاری متفاوت نسبت به تاریخ کبیر انجام داد. ابن ابی حاتم به جرح و تعدیل راویانی پرداخت که بخاری در تاریخ کبیر به آنها پرداخته بود. ابن رجب حنبلی در توصیف کتاب تاریخ کبیر می‌گوید:

آن کتاب ارجمندی است که نظیری پیش از خود نداشته و جامع همه موارد است. هنگامی که ابوزرع و ابوحاتم رازی از این کتاب مطلع شدند، بر اساس آن، دو کتاب تدوین کردند که یکی کتاب جرح و

۱. محدث خراسانی محمد بن اسحاق نیشابوری معروف به الحاکم الکبیر (ت ۳۷۸هـ) و له تصانیف کثیره. (تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۹۷۶-۹۷۹)

۲. منظور عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی نویسنده کتاب الجرح و التعدیل است. (مترجم)

۳. (ابوعبدالله) شمس الدین محمد بن احمد عثمان الذهبی؛ تذکره الحفاظ؛ ج ۳، ص ۱۷۵، بیروت: دار الحیاء التراث العربی.

تعدیل است که بسیاری از مطالب آن در کتاب بخاری ذکر نشده است و دیگری کتاب العلیل که کسی پیش از آنها چنین کتابی ننوشته بود.<sup>۴</sup>

هنگامی که به مباحث آکادمیک در موضوع روات مسکوت عنه مراجعه می‌کنیم درمی‌یابیم که همه یا بیشتر آنها به کتاب ابن ابی حاتم توجه کرده‌اند و در میان پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری که درباره روات مسکوت عنه نوشته شده، حتی یک پایان‌نامه به بررسی روات مسکوت عنه در تاریخ کبیر نپرداخته است و تنها در این باره مقالاتی در باب اختلاف نظر علما در وثاقت یا ضعف روایانی که تاریخ کبیر درباره آنها سکوت کرده است وجود دارد.

در نگرشی علمی می‌توان دریافت موارد بسیاری وجود دارد که ابن ابی حاتم درباره آنها سکوت کرده و تاریخ کبیر بخاری از آنها سخن گفته است و این‌گونه نیست که وقتی درباره یک راوی در کتاب ابن ابی حاتم سکوت شده و در بخاری نیز مسکوت عنه باشد، بلکه روات مسکوت عنه نزد ابن ابی حاتم و در نظر بخاری کاملاً یا تا حد زیادی متفاوت هستند. بنابراین رجوع به کتاب جرح و تعدیل ابن ابی حاتم و دست‌نیافتن به مطلبی درباره یک راوی به معنای بی‌نیازی از رجوع به کتاب تاریخ کبیر و سکوت او در ترجمه آن راوی نیست.

ما در این نوشته تلاش خواهیم کرد تا با مقایسه علمی بین دو کتاب آشکار کنیم که چگونه ابن ابی حاتم در تألیف کتاب الجرح و التعدیل از کتاب التاریخ الکبیر بخاری استفاده کرد و هدف هر نویسنده از نوشتن کتابش چه بود؟ آیا این غرض تحقق یافته است؟ همچنین روش دو کتاب و وجوه امتیاز آن دو را بیان خواهیم کرد و نمونه‌هایی را که ابن ابی حاتم درباره آنها سکوت کرده و بخاری از آنها سخن گفته است برخواهیم شمرد.

### معرفی «التاریخ الکبیر»

تاریخ کبیر بخاری دانشنامه گسترده‌ای است که اطلاعات علمی بسیاری را درباره علم رجال و حدیث در خود جای داده است. بخاری آن را التاریخ الکبیر نامید و این کتاب را بیش از همه تألیفاتش ستود و گفت:

حج را به جا آوردم، برادر و مادرم بازگشتند و من برای کسب حدیث ماندم. هنگامی که به ۱۸ سالگی پا می‌گذاردم شروع به نوشتن کتاب قضایا الصحابه و التابعین و أفاویلهم کردم که در زمان عبیدالله بن موسی<sup>۵</sup> بود و کتاب التاریخ را کنار قبر رسول الله (ص) در شب‌های مهتابی نوشتم و کمتر اسمی در التاریخ بود که شرح حالی درباره آن نداشته باشم، ولی نخواستم کتاب طولانی شود.<sup>۶</sup>

بخاری به دشواری‌ها در نوشتن کتاب تاریخ و ژرف‌نگری در آن تصریح می‌کند و می‌گوید:

اگر این مطالب به دست بعضی اساتیدم برسد نمی‌دانند که چگونه تاریخ را نوشتم و آن را درک نمی‌کنند. این کتاب را سه بار تألیف کردم.<sup>۷</sup>

### تصحیح خطای رایج درباره تعداد روایان «التاریخ الکبیر»

سزاوار است خطای بزرگی را که در شمارش تعداد روایان در تاریخ کبیر رخ داده یادآور شویم. شمار روایان این کتاب چهل هزار مورد بیان شده و دانشمندان و محققان بی‌توجه و بدون تصحیح، این اشتباه را تکرار و همواره آن را نقل می‌کنند.

اولین نقل قولی که در این باره به آن دست یافتیم از امام ذهبی است. او آنجا که درباره تألیفات بخاری سخن گفته است از ابوبکر حازمی نقل می‌کند:

۴. زین الدین عبدالرحمن بن احمد بن ابی رجب الحنبلی؛ شرح علل الترمذی؛ تحقیق صبحی السامرائی؛ ط ۱، عالم الکتب، ۱۴۰۵/۱۹۸۵م، ص ۴۵.  
۵. ابومحمد عبیدالله بن موسی بن ابی المختار العبسی الکوفی یکی از محدثان قرن دوم و از مشایخ بخاری است. (مترجم)  
۶. (ابوعبدالله) شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان الذهبی؛ سیر اعلام النبلا؛ تحقیق: شعیب الزنووط؛ ط ۲، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۰۴هـ/۱۹۸۴م، ج ۱۲، ص ۴۰۰.  
۷. همان جا.

مقایسه علمی «التاریخ الكبير» بخاری و «الجرح والتعديل» ابن ابی حاتم رازی: نقیسه و بررسی بدکتیبه

تاریخ بخاری بیش از چهل هزار مورد را بیان کرده، در حالی که در کتاب الضعفاتنها ۷۰۰ مورد و در کتاب صحیح کمتر از دو هزار مورد را بیان شده است. ابوبکر حازمی این مطلب را گفت، بنابراین صحیح بخاری بسیار مختصر است.<sup>۸</sup>

و صاحب الرسالة المستطرفة نیز گفته است:

در تاریخ کبیر بخاری اسامی کسانی که از او حدیث نقل کرده‌اند از زمان صحابه تا زمان خود او بیان شده است و تعداد آنها به چهل هزار مرد و زن ضعیف و ثقه می‌رسد، ولی حاکم از میان چهل هزار نفر تنها ۱۲۰ مرد را که جرحشان آشکار بود ذکر کرد.<sup>۹</sup>

از معاصرین دکتر فاروق حمادة در کتابش با عنوان تطور دراسات السنة النبوية نهضتها المعاصرة و آفاقها مدخل لدراسات السنة النبوية<sup>۱۰</sup> گفت:

کتاب التاريخ از محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ هـ) است که تلاش کرده در آن راویان حدیث از زمان رسول الله (ص) تا زمان خودش را جمع‌آوری کند. او بنای کتاب را بر اختصار گذاشت و در آن حدود سی هزار ترجمه را بیان کرد.

سپس فاروق حمادة از مقدمة الاصول، ج ۱، ص ۱۷۲ عبارت حاکم نیشابوری را نقل می‌کند که گفته است: ... کتابی در تاریخ نوشت و در آن اسامی کسانی که از آنها حدیث نقل شده از زمان صحابه تا سال پنجاه. نزدیک زمان وفاتش ۲۵۶. را ذکر کرد که تعداد آنها به نزدیک چهل هزار مرد و زن می‌رسد.

چهل هزار شرح حال مبالغه‌آمیز است؛ زیرا تقریباً سه برابر تعداد واقعی نام راویانی است که در این کتاب آمده است. همه آنها را شمردم و به بیش از ۱۳۹۸۲ مورد که عدد تقریبی آن چهارده هزار است دست نیافتم. البته این عدد با احتساب مدخل‌های کتاب الکنی است؛ کتابی که برخی معتقدند کتاب جداگانه‌ای بوده و بعداً در چاپ به تاریخ کبیر ملحق شده است که تعداد ترجمه‌های آن ۹۹۳ مورد است.

چهل هزار راوی خطایی است که در طول دوره‌های مختلف نقل شده است و ندیدم کسی به این خطا واقف شود و به آن اشاره کند.

نکته قابل توجه این است که اولین کسی که این عدد را به دست آورده است، حتی اگر تقریبی هم آن را محاسبه کرده باشد، نمی‌تواند عددی این قدر دور از واقع بیان کند و شاید اولین نفر عبارت اربع عشر الف را به کار برده، ولی در عبارت تصحیف شده و به جای آن اربعین الف نوشته شده باشد و این عدد در کتب و منابع دیگر بدون تحقیق و تصحیح آن رواج یافته است.

### هدف بخاری از تألیف «التاریخ الكبير»

بخاری عنوان التاريخ الكبير را برای کتابش برگزید و نام راویان بسیاری را از زمان رسول الله (ص) تا عصر خود را در آن گنجانده. هدف بخاری از نوشتن این کتاب را این‌گونه می‌توان بیان کرد: ذکر نام هر راوی هر چند تنها یک حرف روایت کرده باشد.

وقتی شرح حال راویانی که بخاری ذکر کرده است در کتب پیش از او جستجو کنیم، درباره بسیاری از آنها چیزی یافت نمی‌شود و در کتب متأخر از بخاری نیز تنها مطلب دربار این دسته از راویان به نقل از کتاب بخاری و بدون هیچ تغییری اضافه‌ای است. به این ترتیب التاريخ الكبير منبع اول و تنها مصدر بیان این شرح حال‌هاست.

۸. همان، ص ۴۷۰.

۹. محمد بن جعفر الکتانی؛ الرسالة المستطرفة لبیان مشهور کتب السنة المشرفة؛ ط القاهرة: مکتبة الکلیات الازهرية، ص ۹۶.

۱۰. تطور دراسات السنة النبوية نهضتها المعاصرة و آفاقها؛ ط ۱، الامارات العربية المتحدة: جائزة دبي الدولية للقرآن الكريم، ۱۴۳۰/ ۲۰۰۹ م، ص ۵۲.

هدف بخاری از تألیف این کتاب جمع‌آوری روایان حدیث از زمان رسول‌الله (ص) تا زمان خودش در یک کتاب بود. هر چند این روایان از جهت رتبه، طبقه و مقدار منقولات مختلف باشند و او به این غرض دست یافت.

### روش بخاری در «التاریخ الکبیر»

امام بخاری در توضیح روش کتابش سخنی کوتاه دارد:

اسامی بر اساس ا ب ت ث تنظیم شده و به دلیل رعایت مقام پیامبر (ص) با «محمد» که نام ایشان بود آغاز شده است. پس از فراغت از ذکر افرادی که نام محمد داشتند، از «الف» شروع کردم، سپس «ب» بعد «ت»، «ث» و به «ی» که آخرین حرف است به پایان رساندم. حرف «میم» در جایگاه خودش آمده است. اسامی محمد بر اساس حروف الفبا نام پدران مرتب شده‌اند؛ زیرا نام محمد بسیار پرتکرار است. تنها ده نفر بر اساس ترتیب الفبایی ذکر نشده‌اند که از اصحاب پیامبر (ص) هستند.<sup>۱۱</sup>

بخاری پیش از ذکر این عبارت در کتابش و پیش از ذکر ترجمه‌ها شرح حال رسول‌الله (ص) را در اول کتاب و جدا از باقی ترجمه‌ها ذکر کرده است.

بخاری به نظرات مختلف درباره اسم راوی، کنیه و نسب توجه کرده و برخی از اسامی را متعلق به یک نفر دانسته است، همانند محمد بن ابی جحیفه که او را همان محمد بن سفیان و محمد بن ابوعبدالله تشخیص داده است و گاهی یک اسم را به دو نفر نسبت می‌دهد، همانند صنابحی که آن را اسم دو راوی دانسته که یکی صحابه پیامبر (ص) است که حضور ایشان را درک و بی واسطه از پیامبر روایت کرده است و دیگری فردی است که به واسطه ابوبکر از پیامبر (ص) نقل می‌کند و در بقیه ترجمه‌ها او تنها به بیان اختلافاتی که در باره اسم راوی وجود دارد پرداخته و هیچ کدام از آن اقوال را ترجیح نداده است.

بخاری گاه علاوه بر ترجمه راوی به جرح و تعدیل او نیز پرداخته و گاه این اطلاعات را بیان نکرده است و در مواردی برای ترجمه راوی از یک حدیث یا بیشتر بهره می‌برد و گاه این روند را در پیش نمی‌گیرد.

### اهمیت «التاریخ الکبیر»

بزرگان بعد از بخاری به بهره‌مندی از تاریخ بخاری اذعان کرده و درباره آن آشکارا ابراز شگفتی کرده‌اند. محمد بن ابی حاتم<sup>۱۲</sup> می‌گوید:

بیش از سی عالم مصری را ملاقات کردم که می‌گفتند: «خواندن تاریخ محمد بن اسماعیل پاسخگوی نیاز ما در دنیا است».<sup>۱۳</sup>

این حجر از حافظ ابوالعباس محمد بن سعید بن عقده<sup>۱۴</sup> حکایت کرده است:

حتی اگر کسی سی هزار حدیث نوشته باشد از کتاب تاریخ محمد بن اسماعیل بی‌نیاز نیست.<sup>۱۵</sup>

استاد او ابن راهویه از تاریخ بخاری حیرت زده شد و کتاب را برداشت و نزد امیر عبدالله بن طاهر رفت و به او گفت: «ای امیر آیا این سحر نیست؟»<sup>۱۶</sup>

۱۱. محمد بن اسماعیل البخاری؛ التاریخ الکبیر؛ تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی؛ ط ۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۱/هـ، ۱۹۹۱م، ج ۱، ص ۱۱.  
۱۲. از روایان حدیث و شاگرد بخاری که همواره ملازم او بود و سخنان بخاری و کتاب‌های او را تحریر می‌کرد. (ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن احمد بن حجر العسقلانی؛ تغلیق التعلیق علی صحیح البخاری؛ طبعه المکتب الإسلامی، ج ۵، ص ۴۳۷) (مترجم)  
۱۳. الذهبی، سیر الاعلام، ج ۱۲، ص ۴۲۶.  
۱۴. حافظ عصر و محدث ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید کوفی است که پدرش دانشمند نحوی بود که لقب او عقده بود (ت ۳۳۲هـ). (تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۸۳۹-۸۴۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۳۴۰)  
۱۵. (ابوالفضل) شهاب‌الدین محمد بن علی بن حجر العسقلانی؛ هدی الساری مقدمة فتح الباری بشرح صحیح البخاری؛ ط بیروت: دارالمعرفة، ص ۴۸۵.  
۱۶. سیر الاعلام، ج ۱۲، ص ۴۰۳.

ابوعیسی ترمذی استادش بخاری را تحسین کرد و گفت:

در عراق و خراسان درباره علل، تاریخ و شناخت اسناد کسی را برتر از محمد بن اسماعیل نمی شناسم.<sup>۱۷</sup>

این رجب در تحلیل سخن ترمذی گفت:

... با آنکه او ابوزرعه و عبدالله بن عبدالرحمن دارمی را ملاقات کرده و از آنها نقل کرده است، ولی بیشترین استفاده علمی را از بخاری برده است و این سخن ترمذی به صراحت از برتری بخاری بر ابوزرعه و دارمی و دیگران در این علم حکایت می کند.<sup>۱۸</sup>

اهمیت تاریخ کبیر و ارزش علمی اش این کتاب را به شکل قابل توجهی از تألیفاتی که پیش یا بعد از آن در این علم نگاشته شده است متمایز می کند.

این امتیازات عبارتند از:

۱. اولین کتابی که تلاش کرد نام همه ناقلین آثار و راویان اخبار را از زمان رسول الله (ص) تا عصر بخاری که در مناطق، طبقات و جایگاه های متفاوتی بودند گرد آورد.

۲. اولین کسی که اطلاعات علمی را با ترتیب ابتکاری با حروف الفبا مرتب کرد و این ترتیب را با نهایت دقت و با روشی علمی پیاده کرد.

۳. این کتاب در بردارنده همه اقسام علم حدیث است، اعم از علم علل، علم رجال و هر آنچه در رجال بحث می شود، همانند جرح و تعدیل، نسب، سال وفات و ...

بنابراین اهمیت این کتاب و جایگاه علمی آن بر جوینده علم و کسی که به سنت شریف نبوی اشتغال داشته باشد مخفی نیست.

### دوم: معرفی «الجرح و التعدیل»

جرح و تعدیل کتابی است که نویسنده در آن، دانش پدرش ابوحاتم محمد بن ادریس رازی (ت ۲۷۷ هـ) و ابوزرعه عبیدالله بن عبد الکریم رازی (ت ۲۶۴ هـ) را گرد آورد و تلاش کرد همه راویان از زمان صحابه تا عصر خودش (پایان قرن سوم هجری) را در آن ذکر کند. او توانست ۱۸۰۳۸ ترجمه را جمع آوری و آنها را بر اساس حروف الفبا مرتب کند. بر این اساس کتاب جرح و تعدیل رازی با این تعداد راوی از کتاب تاریخ بخاری که ۱۳۸۹۲ راوی را ذکر کرده بود متمایز است و این تفاوت به دلیل تأخر وفات ابن ابی حاتم از زمان مرگ بخاری است. علاوه بر آن کتاب جرح و تعدیل رازی دیدگاه های فراوانی درباره جرح و تعدیل راویان دارد.

برخی که کتاب جرح و تعدیل رازی را برگرفته از کتاب تاریخ بخاری می دانند<sup>۱۹</sup> معتقدند این دو کتاب در مطالب و روش ترتیب بسیار به هم شبیه هستند و تنها در موارد جزئی تفاوت دارند؛ مثلاً ابن ابی حاتم در آخر هر باب، افرادی را که به آن نام بودند، ولی پدران شان را نمی شناخت یا منسوب به فرد خاصی نبودند تحت عنوان «باب تسمیه ... الذین لاینسبون» ذکر می کند؛ مثلاً ذیل باب ابراهیم آورده است: «باب تسمیه ابراهیم الذین لاینسبون» و بخاری این افراد را ذیل «من افناء الناس» بیان کرده است. همچنین ابن ابی حاتم در پایان هر حرف، بخشی را با عنوان «باب للافراد» آورده که در بردارنده نام راویانی است که اسم منحصر به فردی داشته اند و بخاری این افراد را در آخر هر حرف با عنوان «باب الواحد» ذکر کرده است.

۱۷ این رجب، شرح علل الترمذی، ص ۴۵.

۱۸ همان، ص ۴۶.

۱۹ همان گونه که در صفحات اول مقاله بیان شد.

### هدف ابن ابي حاتم از تأليف «الجرح و التعديل»

ابن ابي حاتم عنوان «الجرح و التعديل» را برگزید و آشکارا از دو هدف اين کتاب سخن گفت: فراگير بودن و ذکر جرح و تعديل درباره هر راوی که در کتاب ذکر شده است.

او گفت:

اسامي زيادي را بدون جرح و تعديل ذکر کردیم و آنها را نوشتیم تا کتاب شامل همه راويان باشد، با اميد به اينکه جرح و تعديلي درباره آنها وجود داشته باشد که ان شاء الله به کتاب اضافه خواهيم کرد.<sup>۲۰</sup>

اين کتاب دربردارنده نام شمار زيادي از راويان است، اما غرض دوم نويسنده محقق نشده و براي بسياري از آنها جرح يا تعديلي بيان نشده است؛ زيرا نويسنده نتوانسته به آنها دست يابد.

### روش ابن ابي حاتم در کتاب «الجرح و التعديل»

ابن ابي حاتم روش کتابش را اين گونه بيان کرد:

هدف ما در اين کتاب بيان جرح و تعديل راويان براي عالمان اين علم بود از متقدمين آغاز و تا متأخريني همچون پدرم و ابوزرعه - خداوند آن دورا بيا مرزد. به اتمام رسانديم و درباره کساني که شناخت کمی نسبت به آنها داشتيم صحبت نکردیم. هر سخني را به گوینده آن و هر جوابي را به پاسخ دهنده آن نسبت دادیم. اختلاف نظرائمه حديث را در پاسخ به سؤال درباره راويان بررسي کردیم و تناقضات آنها را برطرف نمودیم و از ميان پاسخ ها به هر راوی چیزی را نسبت دادیم که شايسته او بود و با وی تناسب بیشتری داشت.

اسامي زيادي را بدون جرح و تعديل ذکر کردیم، آنها را نوشتیم تا کتاب شامل همه راويان باشد با اميد به اينکه جرح و تعديلي درباره آنها وجود داشته باشد که ان شاء الله بعدا به کتاب اضافه خواهيم کرد.

همه اسامي را بر اساس حروف الفبا مرتب کردیم و اسم هايی که در یک حرف پرتکرار هستند، بر اساس نام پدرانشان و به ترتيب الفبا چينش دادیم تا براي کسی که جستجومي کند دستيابی به آنچه می خواهد آسان شود و به جايگهی که به آن نیازمند است دست يابد ان شاء الله.<sup>۲۱</sup>

بنا بر سخن ابن ابي حاتم اين نکات آشکار می گردد:

غرض از تأليف کتاب بيان نام کساني است که از زمان رسول الله (ص) تا زمان نويسنده روايتی دارند. پس هدف او ذکر فراگير همه راويان در اين دوره است.

مأموريت اصلي اين کتاب بيان جرح يا تعديل هر راوی ای است که در کتاب نام برده شده است.

منابعی که او برای جرح و تعديل راويان استفاده می کند گزينش شده است و او سخن هر کسی را درباره راوی نپذيرفته و در اين مورد تنها به سخن بزرگانی که آنها را می شناسد اعتماد کرده است که در رأس آنها پدرش و ابوزرعه رازي قرار دارند.

هنگام وجود تناقض يا اختلاف نظر در اقوال ائمه درباره یک راوی او دست به انتخاب زده و آنچه به نظرش درباره جرح يا تعديل راوی صحيح تر است پذيرفته است.

۲۰. الجرح و التعديل، ج ۲، ص ۳۸.

۲۱. (ابومحمد) عبدالرحمن بن ابي حاتم رازي؛ الجرح و التعديل؛ تحقيق عبدالرحمن بن يحيى المعلمي؛ ط ۱، بيروت: دارالکتب العلميه، ۱۳۷۱هـ/ ۱۹۵۲م، ج ۲، ص ۳۸.

مقایسه علمی «التاریخ الكبير» بخاری و «الجرح والتعديل» ابن ابی حاتم رازی: نقیسه و بررسی بدکتیبه

با بررسی شرح حال‌های کتاب ابن ابی حاتم آشکار می‌شود او با وجود اطلاع از حکم بخاری، درباره هیچ راوی‌ای به جرح و تعدیل بخاری تکیه نداشته و آن را نقل نکرده است؛ حتی در مواردی که درباره راوی کلامی جز سخن بخاری درست ندارد. گویی که ابن ابی حاتم در بحث جرح و تعدیل راویان بخاری را در شمار مصادرش نیاورده است.

### اهمیت کتاب «الجرح والتعديل»

بدون شک کتاب الجرح والتعديل و جایگاهش یکی از منابع مهم رجال و جرح و تعدیل راویان است و تعداد مدخل‌های بیان شده در آن ۴۰۵۶ مورد بیش از تاریخ بخاری است. ابن ابی حاتم هر چند به کتاب تاریخ کبیر تکیه کرد، با بیان مواردی که بخاری در کتابش ذکر نکرده بود به اثری متمایز تبدیل شد. همچنین این کتاب خلاف بخاری روایات را در بیان شرح حال راویان ذکر نکرد و از علل الحدیث سخنی نگفت و کتابی مجزا درباره علل الحدیث نگاشت.

### بخش دوم: آیا موضع سکوت ابن ابی حاتم همانند بخاری است؟

همان طور که پیش از این بیان شد ابن ابی حاتم کتابی مستقل از کتاب تاریخ کبیر در جرح و تعدیل نگاشت که علت تألیف آن بیان جرح و تعدیل درباره هر راوی بود؛ مسئله مهمی که بخاری در تاریخ کبیر به آن نپرداخته بود.

عبدالرحمن بن یحیی معلمی در مقدمه التقدمة لمعرفة کتاب الجرح والتعديل گفت:

... تاریخ بخاری در اکثر موارد درباره جرح و تعدیل راویان به صراحت سخنی نگفته است و ابوحاتم محمد بن ادريس رازی و ابوزرعه عبیدالله بن عبدالکریم رازی که معاصر با بخاری و در علم و معرفت هم‌ردیف او بودند متوجه این نقص شدند و تمایل داشتند آن را تکمیل کنند.<sup>۲۲</sup>

پس هدف از تألیف کتاب جرح و تعدیل جبران نقص تاریخ کبیر و ذکر دیدگاه‌ها درباره جرح و تعدیل راویانی بود که در تاریخ کبیر بیان نشده بود.

### احمد محمد نور سیف گفت:

بخاری کتابش را تألیف کرد و با آنکه در بردارنده مطالب بسیاری درباره ترجمه روات و علل الحدیث بود، آن را تاریخ نامید، اما در مسئله جرح و تعدیل راویان به هدفی که مؤلف داشت نرسید و در میانه میدان توقف کرد و ابن ابی حاتم بود که کتاب بخاری را به هدف نهایی رساند؛ زیرا با اضافه کردن اقوال درباره جرح و تعدیل راویان، این کتاب را تکمیل کرد و با این کار تحولی بزرگ ایجاد نمود.

در واقع دکتر احمد محمد نور سیف معتقد است که کتاب جرح و تعدیل ابن ابی حاتم چیزی جز همان کتاب تاریخ بخاری به علاوه دیدگاه‌های دانشوران درباره جرح و تعدیل راویان نیست.

اگر این سخن را بپذیریم این نتایج نیز قابل فرض است:

۱. راویانی را که بخاری درباره آنها سکوت کرده است، در کتاب ابن ابی حاتم جرح و تعدیل شده باشند و به طریق اولی جرح و تعدیل‌هایی که در کتاب بخاری آمده است در کتاب ابن ابی حاتم نیز بیان شده باشد.

۲. راویانی که ابن ابی حاتم درباره آنها سکوت کرده است، حتماً در تاریخ بخاری نیز درباره آنها سخنی گفته نشده باشد.

۳. آنچه در کتاب بخاری ذکر شده است، حتماً در کتاب ابن ابی حاتم نیز آمده باشد.

۲۲ (ابومحمد) عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی: مقدمة المعرفة لکتاب الجرح والتعديل؛ تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی؛ ط ۱، بیروت: دارالکتاب العلمية، ۱۳۷۱/هـ/۱۹۵۲م، ص: ط.



۴. ترجمه‌های زیادى در کتاب ابن ابى حاتم وجود داشته باشد که بخارى درباره آنها سکوت کرده است.

براساس این فرضیات که نزد اکثر افراد به حقیقتى مسلم تبدیل شده است، محققان درباره «رواى مسکوت عنهم» تنها به کتاب جرح و تعدیل توجه کردند؛ زیرا فکر مى‌کردند هر آنچه ابن ابى حاتم درباره آن سخنى نگفته به طریق اولی در کتاب بخارى نیز بیان نشده است؛ زیرا هدف ابن ابى حاتم بیان دیدگاه‌های عالمان جرح و تعدیل در مواردی بود که بخارى در کتابش از آنها سخن نگفته بود.

ولى بررسى تطبیقى دو کتاب مرا به حد اقل بیست ترجمه رساند که بخارى آنها را جرح یا تعدیل کرده، ولی ابن ابى حاتم حرفی از جرح و تعدیل آنها به میان نیاورده است. بنابراین راویانى وجود دارند که بخارى از آنها سخن گفته و ابن ابى حاتم درباره آنها سکوت کرده است که به برخی از آنها اشاره مى‌کنم:

قال البخارى:

علی بن علقمة الأتماری الأنصاری، عن علی رضی الله عنه، روى عنه سالم بن ابی الجعد. فی الکوفیین. فی حدیثه نظر. (ت ۲۴۲۹/۲) (۲۸۹/۲)

قال ابن ابی حاتم:

علی بن علقمة الأتماری، کوفی، روى عن علی و عبد الله بن مسعود، روى عنه سالم بن ابی الجعد. سمعت ابی یقول ذلک. (ت ۱۰۸۴/۶) (۱۹۷/۶)

قال البخارى:

عمران بن سریع: کنا مع حذیفة فی مسجد الکوفة فأنشأ یحدث عن الاحزاب. روى عنه علقمة بن مرثد. فی حدیثه نظر. (ت ۲۸۲۱/۶) (۴۱۳/۶)

قال ابن ابی حاتم:

عمران بن سریع: کنا مع حذیفة فی مسجد الکوفة فأنشأ یحدث عن الاحزاب. روى عنه علقمة بن مرثد. سمعت ابی یقول ذلک. (ت ۱۶۹۵/۶) (۲۹۹/۶)

قال البخارى:

عقبة بن یریم، عن ابی ثعلبة. روى عنه عروة بن روم الشامی. فی صحة خبره نظر. (ت ۲۹۰۶/۶) (۴۳۶/۶)

قال ابن ابی حاتم:

عقبة بن یریم، روى عن ابی ثعلبة الخشنی، روى عنه عروة بن روم، الشامی، الفلستینى. سمعت ابی یقول ذلک. (ت ۱۷۷۳/۶) (۳۱۸/۶)

قال البخارى:

عباد بن ابی موسی، عن سلم بن زیاد، عن میمونة رضی الله عنها. روى عنه یحیی بن سلیم الطائفی. اسناد مجهول. (ت ۱۶۳۶/۶) (۴۲/۶)

قال ابن ابی حاتم:

عباد بن ابی موسی، روى عن سلم بن زیاد، عن میمونة. روى عنه یحیی بن سلیم. سمعت ابی یقول ذلک. (ت ۴۴۴/۶) (۸۷/۶)

قال البخارى:

مقایسه علمی «التاریخ الكبير» بخاری و «الجرح والتعديل» ابن ابی حاتم رازی: نقیسه و بررسی بدکتیبا

برذعة بن عبدالرحمن عن ابی الخلیل عن سلمان عن النبی (ص) قال سمیت . یعنی الحسن والحسین . باسم ابنی هارون قاله لنا مالک بن اسماعیل عن عمرو بن حرث عن برذعة . اسناده مجهول . (ت ۲۰۰۱/۲) (۱۴۷/۲)

ابن ابی حاتم:

روی عن ابی الخلیل عن سلمان . روی عنه عمرو بن حرث الكوفی . سمعت ابی يقول ذلك . (ت ۱۷۴۵) (۲/۴۳۹)

بخاری:

ارقم بن ابی ارقم ، حدثنی عمرو بن علی ، حدثنا ابوقتیبة ، حدثنا حمید الخطاط ، عن ارقم بن ابن ابی ارقم: سئل ابن عباس: رأی محمد ربه؟ قال نعم مرتین . هو شیخ مجهول ، لا یعرف الا بهذا . (ت ۱۶۳۹) (۲/۴۷)

ابن ابی حاتم:

ارقم بن ابی ارقم ، روی عن ابن عباس ، روی عنه حمید بن مهران الخياط . سمعت ابی يقول ذلك . (ت ۱۱۶۲) (۲/۳۱۰)

بخاری:

عمرو بن ذی مرالهمدانی ، یعد فی الكوفیین ، سمع علیا رضی الله عنه ، روی عنه ابواسحاق الهمدانی وحده . لا یعرف . (ت ۲۵۴۸) (۶/۳۲۹)

ابن ابی حاتم:

عمرو بن ذی مرالهمدانی ، کوفی ، سمع علیا رضی الله عنه ، روی عنه ابواسحاق الهمدانی وحده . سمعت ابی يقول ذلك . (ت ۱۲۸۳) (۶/۲۳۲)

بخاری:

علی بن غالب الفهری القرشی ... عن واهب روی عنه یحیی بن ایوب ، لا اراه الا صدوقا . (ت ۲۴۳۹) (۶/۲۹۲)

ابن ابی حاتم:

علی بن غالب الفهری ، روی عن واهب ، روی عن یحیی بن ایوب ، سمعت ابی يقول ذلك . (ت ۱۰۹۸) (۶/۲۰۰)

بخاری:

مغیره بن حبیب ختن مالک بن دینار عن مسعرو سالم بن عبد الله روی عنه حماد بن زید وبشر بن الفضل وجعفر بن سلیمان وکان صدوقا عدلا . (ت ۱۳۹۴) (۷/۳۲۵)

ابن ابی حاتم:

مغیره بن حبیب ابوصالح الازدی ختن مالک بن دینار روی عن سالم بن عبد الله وشهر بن ابی حوشب و مالک بن دینار روی عنه هشام الدستوائی و حماد بن زید وجعفر بن سلیمان و صالح المری وبشر بن المفضل سمعت ابی يقول ذلك . (ت ۹۹۱) (۸/۲۲۰)

بخاری:

حکیم بن عمار الحنفی و کان رضا. سمع ابن خالته و کان صدیقاً لابی هریره، سمع منه عکرمه بن عمار. (ت ۶۰/۳) (۱۵/۳)

ابن ابی حاتم:

حکیم بن عمار، الحنفی الیمامی روی عن... روی عنه عکرمه بن عمار. سمعت ابی یقول کذلک. (ت ۸۹۹/۳) (۲۰۶/۳)

علاوه بر موارد مذکور، راویان بسیار دیگری نیز هستند که با وجود جرح و تعدیل بخاری، ابن ابی حاتم درباره آنها سخنی نگفته است.<sup>۲۳</sup> نکته قابل توجه در این ترجمه‌ها این است که بخاری جرح و تعدیل آنها را براساس دیدگاه خود بیان کرده و آن مطالب را از بزرگان و اساتید خود نقل نکرده است.

سؤال مهم این است که اگر واقعاً هدف ابن ابی حاتم بیان جرح و تعدیل درباره راویانی بود که بخاری آنها را مسکوت گذاشته، چرا در مواردی که بخاری درباره آن سخن گفته نظری نداده و سکوت کرده است؟!

ابن ابی حاتم همان گونه که روش خود را در مقدمه کتاب بیان کرده است، در برابر راویانی که درباره آنها به سخنی از ائمه رجال دست نیافته سکوت کرده است. برای او بیان و تکرار نظر بخاری ممکن بود؛ زیرا از آن اطلاع داشت، اما اشاره نکردن به سخن بخاری در کتاب جرح و تعدیل و ذکر نکردن آن به وسیله ابن ابی حاتم موجب شد تا محققین گمان کنند بخاری نیز همانند دیگران درباره این روایت سخنی نگفته است. در حالی که شرح حال‌های ذکر شده نشان می‌دهد که نه تنها بخاری به جرح راویان پرداخته بود، بلکه در میان همه بزرگان رجال تنها کسی بود که به این کار دست زده بود.

این ترجمه‌ها شواهد مهمی بر علم بخاری و روش منحصر به فرد او در بیان جرح و تعدیل راویان بود. به ویژه که او جرح و تعدیل را درباره راویانی به کار برد که میان مردم شناخته شده نبودند و کسی از حالشان مطلع نبود. بخاری این راویان را می‌شناخت و با به‌کار بستن واژه‌های جرح و تعدیل درباره آنها وضعیت ایشان را برای مردم تبیین کرد. بخاری اهتمام خود را بر کسانی معطوف کرد که از ناحیه عالمان جرح و تعدیل به آنها پرداخته نشده بود و وضعیت آنها برای رجالیون ناشناخته مانده بود و به بسیاری از روایت که ائمه رجال درباره آنها به اجماع سخن گفته بودند نپرداخت.

براساس این شواهد، نه تنها روایت مسکوت عنه در کتاب ابن ابی حاتم و بخاری یکسان نیستند، بلکه به عکس، ابن ابی حاتم درباره راویانی سکوت کرده که بخاری از آنها سخن گفته است.

### بحث سوم: اعتراضات ابن ابی حاتم و خطیب بغدادی بر بخاری و بحث‌های آن

با وجود تکریم و تحسین کتاب تاریخ بخاری به وسیله ائمه رجال این کتاب از انتقاد و اعتراض‌ها در امان نماند که مهم‌ترین آنها کتاب کوچکی به نام بیان خطأ البخاری فی تاریخه از ابن ابی حاتم است. همچنین خطیب بغدادی بر کتاب بخاری نقدی با عنوان موضح اوهام الجمع و التفریق نوشت که در دو جلد به چاپ رسیده است. هردو کتاب را علامه عبدالرحمن بن یحیی معلمی تحقیق کرده و پی‌نوشت‌های نفیسی به آنها اضافه کرده است. موضوع هردو کتاب همان گونه که عنوان آنها نشان می‌دهد، بیان خطاها و اشتباهات بخاری در جمع بین دو راوی یا بیشتر

۲۳. رک به: بخاری: ت ۶۸۵ (۲۱۳/۵)، ت ۷۳۰ (۲۲۳/۵)، ت ۱۰۴۰۳ (۴۳۱/۵)، ت ۲۰۱۸ (۱۵۸/۶)، ت ۲۴۶۸ (۳۰۱/۶)، ت ۲۳۹۸ (۲۷۸/۶)، ت ۲۷۸۰ (۳۶۵/۲)، ت ۲۵۳۴ (۳۲۵/۶)، ت ۲۰۸۳ (۲۷۹/۴).  
و در مقابل آن رک به: ابن ابی حاتم: ت ۸۵۳ (۱۸۳/۵)، ت ۹۱۰ (۱۹۶/۵)، ت ۱۷۲۳ (۳۶۸/۵)، ت ۵۹۴ (۱۱۲/۶)، ت ۱۱۴۱ (۲۰۸/۶)، ت ۱۰۳۲ (۱۸۸/۶)، ت ۷۶۸ (۱۷۸/۳)، ت ۱۱۲۶۶ (۲۲۸/۶)، ت ۱۷۵۷ (۴۰۱/۴).

و یکی دانستن آنها یا جدا کردن اسم‌های متعدد یک فرد و بیش از یک نفر دانستن آنهاست.

در اول کتاب ابن ابی حاتم آمده است:

ابو محمد عبدالرحمن بن ابی حاتم گفت: شنیدم پدرم به نقل از ابوزرع (رضوان خدا بر هردو باد) می‌گفت: «کتاب التاریخ را فضل بن عباس معروف به الصائغ برآید آورد و گفت: تألیف محمد بن اسماعیل بخاری است، پس در آن یافتیم...»<sup>۲۴</sup>.

سپس ترجمه‌های اشتباهی را که در آن دیده همراه وجه صحیح آن بیان کرده است.

معلمی می‌گوید:

شواهد نشان می‌دهد که ابوزرع آن نسخه را از اول تا آخر بررسی کرده و موارد خطا یا شبه آن را همراه وجه صحیح آن بیان کرده است و برخی موارد را نیز ننوشته و بدون ذکر باقی گذاشته است. پس از او ابو حاتم این کار را پی گرفت و برخی نظرات را پذیرفت و بعضی را رد کرد و به موارد جدید دست یافت.<sup>۲۵</sup>

خطیب اشکالات ابو حاتم و ابوزرع را بر التاریخ بخاری نمی‌پذیرد و می‌گوید:

کتاب ابن ابی حاتم را دیدم. نقدهای بسیاری در آن ذکر شده بود که بر بخاری وارد نیست؛ زیرا اشکالاتی که ابن ابی حاتم در کتاب نقل کرده در کتاب بخاری به شکل صحیح آمده است، ولی در حکایت و نقل ابن ابی حاتم این‌گونه نیست [نقل ابن ابی حاتم از کتاب بخاری با متن التاریخ بخاری متفاوت است و اشکالات بر بخاری به دلیل نسخه غلط اوست].<sup>۲۶</sup>

بعد از مقدمه‌ای طولانی، خطیب بغدادی اشتباهات بخاری یا آنچه را او خطا تصور کرده است بیان می‌کند و شروع آن با این عبارت است:

در تاریخ کبیر که ابو احمد محمد بن سلیمان بن فارس الدلال النیشابوری از بخاری آن را روایت می‌کند در باب محمد بن اولین بخشی است که کتاب با آن آغاز می‌شود. برخی از اشتباهات بخاری در جمع و تفریق عبارتند از...<sup>۲۷</sup>

خطیب بغدادی بر نسخه تاریخ کبیر که آن را محمد بن سلیمان بن فارس نقل کرده اعتماد کرده است، در حالی که ابوزرع و ابو حاتم رازی بر نسخه‌ای که فضل بن عباس صائغ نقل کرده است تکیه کردند و شیخ عبدالرحمن معلمی دلیل اعتراض بر بخاری را اختلاف نسخه‌ها دانسته و معتقد است اگر به نسخه‌ای که اخیراً تصحیح شده و بر اساس روایت محمد بن سهل کردی است اعتماد می‌شد این اشکالات وجود نداشت. معلمی با استناد به سخن مشهور بخاری که می‌گوید: «اگر این کتاب به دست برخی از اساتیدم برسد متوجه نمی‌شوند که چگونه کتاب التاریخ را نوشته‌ام، آن را سه بار تصنیف کرده‌ام»<sup>۲۸</sup> و همچنین این قول که «همه کتاب‌هایم را سه بار تألیف کرده‌ام»<sup>۲۹</sup> بیان می‌کند:

او کتاب را نوشت و به مردم عرضه کرد. سپس بر نسخه‌اش افزود و آن را تصحیح کرد و بار دیگر آن را

۲۴. عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی؛ بیان خطأ البخاری فی تاریخه؛ تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی؛ ط ۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۱هـ/۱۹۹۱م، ص ۲.

۲۵. همان، ص: ب.

۲۶. ابوبکر احمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی؛ موضح اوهام الجمع والتفریق؛ تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی؛ ط ۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۱هـ/۱۹۹۱م، ج ۱، ص ۸.

۲۷. همان، ج ۱، ص ۹.

۲۸. سیر الاعلام، ج ۱۲، ص ۴۰۳.

۲۹. همان جا.

منتشر کرد. سپس برگشت و بر آن افزود و تصحیح کرد تا سومین بار آن را نشر داد و این مسئله همان گونه که بیان می شود درباره کتاب التاریخ ثابت شده است.<sup>۳۰</sup>

ابن ابی حاتم اعتراضات پدرش و ابوزرع را بر بخاری بیان کرد، اما این اشکالات در نسخه اولی بود که بخاری از این کتاب عرضه کرده بود و به همین دلیل خطیب بغدادی برخی از این اشکالات را رد کرد؛ زیرا خطیب نسخه دوم التاریخ را در اختیار داشت که برخی از اشتباهاتی که رازی پدر و پسر به آن اشاره داشتند در آن را تصحیح شده بود و دقیقاً به همین دلیل است که وقتی معلمی اشکالاتی را که خطیب بغدادی به بخاری وارد دانسته بود در التاریخ نیافت؛ زیرا معلمی نسخه سوم این کتاب را داشت که اشکالات آن برطرف شده بود.

به این ترتیب در نسخه سوم که همان نسخه آخر کتاب بخاری است، اعتراضات بزرگان رجال بر بخاری برطرف می شود و تنها مواردی ناچیز از این اعتراضات باقی می ماند که معلمی بسیاری از آنها اشکالات را وارد نمی داند؛ مثلاً معتقد است بخاری به دلیل ترتیب و دسته بندی کتابش اسم یک راوی را که با دو نام شناخته می شده در دو جا ذکر کرده است و روش بخاری اقتضا می کند که این دو عنوان در دو جای مختلف ذکر شود و به این معنا نیست که اسامی، بخاری را به اشتباه انداخته و او آن دو عنوان را دو فرد مستقل دانسته است. در حالی که خطیب در این موارد بر بخاری اشکال گرفته که او گمان داشته که این اسامی به دو فرد متفاوت تعلق دارند.<sup>۳۱</sup>

عبدالرحمن معلمی درباره سخن خطیب بغدادی درباره اشتباهات بخاری و نقد او می گوید:

بغدادی در حق بخاری انصاف را رعایت نکرده است. او ۸۰ مورد را به عنوان اشتباهات بخاری ذکر کرده است و این عدد در برابری از ده هزار ترجمه ای که بخاری در کتابش بیان کرده بسیار ناچیز است. بنابراین حقیقت آن است که جز موارد اندکی نقد بر بخاری روا نیست.<sup>۳۲</sup>

همچنین معلمی می گوید:

علم در سینه بخاری جای داشت و او همه تلاشش را برای جلوگیری از خطا به کار گرفت و بسیاری از مطالبی که خطیب اشتباهات بخاری می داند به دلیل اشتباه در نسخه ای از التاریخ بود که در دسترس خطیب بود و یا آنکه خطیب به اشارات و اصطلاحات بخاری توجه نکرده است.<sup>۳۳</sup>

معلمی بخاری را به دلیل عظمت کتابش از اشتباه مبرا می داند؛ زیرا از دید او خطاها و اشتباهات به سبب غفلت و فراموشی بخاری به وجود نیامده است و «اکثر اشتباهاتی که به بخاری یا ابوزرع نسبت داده شده است، خطا در اجتهاد است که به دلیل اشتباه و یا عدم دستیابی به دلیل ایجاد شده اند».<sup>۳۴</sup>

#### نتیجه

در پایان مقایسه علمی میان کتاب تاریخ کبیر بخاری و کتاب جرح و تعدیل ابن ابی حاتم رازی به این نکات می توان اشاره کرد:

#### درباره «التاریخ الكبير»

۱. بخاری اولین فردی است که با هدف جمع آوری همه راویان و ناقلان اخبار در طبقات، جایگاه ها و شهرهای مختلف از زمان رسول الله (ص) تا عصر خود کتاب نوشت و پیش از او کتابی به این گستردگی نوشته نشده بود.

۳۰. الموضح، ص ۱۱۰.

۳۱. همچنین از مواردی که خطیب به بخاری اشکال گرفته زمانی است که بخاری دو اسم مختلف را بیان می کند و در دومی می گوید: «قبلاً آن را ذکر کرده ام»؛ یعنی زمینه چینی می کند که این راوی همان راوی پیشین است. خطیب معتقد است که بخاری دچار اشتباه شده و بین دو ترجمه جمع کرده است.

۳۲. الموضح، ص ۹.

۳۳. همان، ص ۸.

۳۴. بیان خطا البخاری فی تاریخه، ص: و.

مقایسه علمی «التاریخ الكبير» بخاری و «الجرح والتعديل» ابن ابی حاتم رازی: نقیسه و بررسی دکته

۲. بخاری آنچه حاصل فهم و دانش خود بود نوشت و برای اولین بار در روشی ابتکاری آن را بر اساس الفبا مرتب کرد. کاری که پیش از او سابقه نداشت. کتاب او که در نهایت دقت و به شکلی روشمند و علمی نگاشته شده بود، به نقطه عطفی در تألیفات رجالی تبدیل شد.

۳. نظر بخاری درباره جرح و تعديل راویانی که تنها در کتاب او ذکر شده است نشان می دهد دیدگاه او درباره جرح و تعديل روات منفرد است و هیچ یک از اساتید و هم دوره های او چنین نظری نداشته اند. حتی ابن ابی حاتم که قصدش بیان جرح و تعديل راویان بود، در این گونه موارد سخنی نگفت و نظر بخاری را در کتابش ذکر نکرد؛ زیرا بر اساس مبنای کتاب ابن ابی حاتم، در آثار پیشینیان جرح و تعدیلی درباره آن راویان ذکر نشده بود و اگر او به چیزی دست می یافت حتماً آن را بیان می کرد.

۴. همه انتقادات بر تاریخ کبیر با تکیه بر نسخه اول و دوم این کتاب نوشته شده و این اشکالات در نسخه سوم آن مرتفع شده است.

۵. بخاری علم رجال و علل را در کنار هم جمع کرد و مطالب هر دو را در ضمن شرح حال راویان بیان کرد و به فهم رابطه دقیق و پیچیده جرح و تعديل و علل کمک کرد.

### درباره «الجرح و التعديل»

۱. ابن ابی حاتم این کتاب را بر اساس تاریخ کبیر نوشت و از هدف التاریخ و ترتیب مطالب آن پیروی کرد، ولی ابن ابی حاتم ۴۰۵۶ شرح حال بیش از بخاری گرد آورد و دیدگاه های زیادی درباره جرح و تعديل راویان برای ما بیان کرد که در کتاب بخاری ذکر نشده بود.

۲. ابن ابی حاتم می خواست تا درباره همه راویان فهرست شده در کتابش جرح و تعدیلی بیان کند، ولی این غرض درباره همه روات محقق نشد و برخی از شرح حال های راویان بدون جرح و تعديل باقی ماند.

۳. ابن ابی حاتم از سخن بخاری درباره جرح و تعديل برخی از راویان مطلع بود، ولی این مطالب را در منبع دیگری نیافت. به همین دلیل بسیاری از راویانی که بخاری آنها را جرح و تعديل کرده بود نزد ابن ابی حاتم مسکوت ماند. این نکته می تواند دلیلی بر برتری بخاری نسبت به معاصران و اساتید خود باشد؛ زیرا او اطلاعاتی درباره جرح و تعديل راویان داشت که هیچ کس جز او از آنها مطلع نبود.<sup>۳۵</sup>

۴. ابن ابی حاتم ترجیح داد کتابی درباره جرح و تعديل راویان بنویسد و کتاب دیگری را به علل اختصاص دهد، در حالی که بخاری این دو مسئله را در یک کتاب جمع کرد و این نشان از ارتباط بسیار نزدیک علوم مختلف حدیثی با هم به ویژه تصحیح و تعلیل با جرح و تعديل دارد.

۵. بی تردید ابن ابی حاتم با جستجو در اقوال و دیدگاه های پیشینیان خود درباره جرح و تعديل راویان کار بزرگی انجام داد و همه آنچه به دست آورده بود در کتابش بیان کرد و این خدمتی بزرگ در علم جرح و تعديل بود.

در نهایت می توان گفت که بزرگان دین از دیرزمان برای خدمت به سنت پیامبر (ص) از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و

۳۵. اینکه چگونه بخاری به اطلاعات رجالی ای دست یافته که پیش از او در کتب رجالی ذکر نشده است جای تامل دارد؟ الف) آیا او به منابعی مجزا دسترسی داشته که دیگران از آن بی بهره بوده اند؟ این احتمال با توجه به داستانی که ابن حجر در تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۴۶ بیان می کند قوت می گیرد. بخاری پس از مرگ علی بن المدینی کتاب او درباره علل را با تنظیم مالی با زماندگانش گرفت و با ورقه ورقه کردن آن و توزیع بین نسخه برداران یک نسخه از آن تهیه کرد. بخاری اطلاعات این کتاب را به خودش نسبت داد و هیچ جا اسمی از ابن مدینی نبرد. ب) اینکه بخاری درباره جرح و تعديل راویانی سخن می گوید که در منابع پیش از او سابقه نداشته است، آیا نشان از علم ویژه او دارد؟! چگونه او می توانسته درباره کسی که هم عصرش نبوده است علمی ویژه داشته باشد؟ آیا این علم و روش ویژه اوست که بخاری را به این جایگاه می رساند یا سوگیری و عدم ضابطه مندی؟ آیا به جرح و تعديل منفرد دانشمندی که سرقت علمی می کند می توان تکیه کرد؟ همه این احتمالات باید بررسی شوند، اما به نظر می رسد هیمنه بخاری در میان اهل سنت، آنها را از تفکر و سؤال در این موارد باز می دارد و به توجیه او تمایل بیشتری دارند. (مترجم)

نقو و بربرى دکتو: مقایسه علمى «التاریخ الکبیر» بخارى و «الجرح و التعدیل» ابن ابى حاتم رازى

با وجود روش های متفاوت و ابزار و شرایط گوناگون آنچه آنها را به هم پیوند می زند، حفظ سنت نبوی و دورنگه داشتن آن از جعل و تحریف بود؛ زیرا آنها به خوبی از جایگاه ویژه سنت پیامبر(ص) و نقش خود در حفظ آن آگاه بودند. پس دین خود را ادا کردند. نتیجه این تلاش ها تألیفات گسترده و متنوعی شد که میراث عظیمی برای امت اسلام به وجود آورد؛ گنجینه ای که از هیچ قسمت آن نمی توان چشم پوشید؛ زیرا همه بخش ها در کنار هم آن را ایجاد و تکمیل کرده اند.

مقایسه بین دو تألیف بزرگ از دو نویسنده جلیل القدر از اهمیت هیچ یک از دو کتاب کم نمی کند، بلکه تفاوت ها، نقاط قوت و نقش مکمل بودن آنها را نسبت به هم نشان می دهد و ضرورت استفاده از هر دوی آنها را یادآور می شود.

#### کتابنامه

- الخطیب البغدادی، (ابوبکر) احمد بن علی بن ثابت؛ موضح الاوهام الجمع و التفریق؛ تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی؛ ط ۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۱هـ/ ۱۹۹۱م.
- ابن رجب الحنبلی، زین الدین عبدالرحمن بن احمد؛ شرح علل الترمذی؛ تحقیق صبحی السامرائی؛ ط ۲، عالم الکتب، ۱۴۰۵هـ/ ۱۹۸۵م.
- الذهبی، (ابوعبدالله) شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان؛ تذکرة الحفاظ؛ بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
- \_\_\_\_\_؛ سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنؤوط؛ ط ۲، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۴هـ/ ۱۹۸۴م.
- ابن حجر العسقلانی، (ابوالفضل) شهاب الدین احمد بن علی؛ تقریب التهذیب؛ تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف؛ ط ۲.
- \_\_\_\_\_؛ تهذیب التهذیب؛ ط ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴هـ/ ۱۹۸۴م.
- \_\_\_\_\_؛ هدی الساری مقدمة فتح الباری بشرح صحیح البخاری؛ بیروت: دارالمعرفة.
- ابن ابی حاتم الرازی، (ابومحمد) عبدالرحمن؛ بیان خطأ البخاری فی تاریخه؛ تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی؛ ط ۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۱هـ/ ۱۹۹۱م.
- ابن ابی حاتم الرازی، (ابومحمد) عبدالرحمن؛ مقدمة المعرفة لکتاب الجرح و التعدیل؛ تحقیق عبدالرحمن یحیی المعلمی؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۷۱هـ/ ۱۹۵۲م.
- \_\_\_\_\_؛ الجرح و التعدیل؛ تحقیق عبدالرحمن یحیی المعلمی؛ ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۷۱هـ/ ۱۹۵۲م.
- البخاری (ابو عبدالله) محمد بن اسماعیل؛ التاریخ الکبیر؛ تحقیق عبدالرحمن یحیی المعلمی الیمانی؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۱هـ/ ۱۹۹۱م.
- فاروق حمادة؛ تطور الدراسات السنة النبوية نهضتها المعاصرة و آفاقها مدخل لدراسات السنة النبوية؛ ط ۱، الامارات العربیة المتحدة؛ جائزة دبی الدولية للقرآن الکریم، ۱۴۳۰هـ/ ۲۰۰۹م.
- الکتانی، محمد بن جعفر؛ الرسالة المستطرفة لبيان مشهور كتب السنة المشرفة؛ ط القاهرة: مكتبة الكليات الازهرية.
- یحیی بن معین؛ التاریخ؛ تحقیق احمد محمد نور سیف؛ ط ۱، مكة المكرمة: مركز البحث العلمی و احیاء التراث الاسلامی، ۱۳۹۹هـ/ ۱۹۷۹م.